

مجموعه مقالات سومین هم اندیشی پژوهشگران دانشگاه شهید بهشتی

۲۵ آذرماه ۱۳۸۷



به کوشش معاونت پژوهشی و فناوری
دانشگاه شهید بهشتی

بایسته‌هایی در عرصه آموزش و پژوهش

حسین مقیسه (مغیثی)*

واژگان کلیدی: تعلیم، تربیت، پژوهش، پیراستگی، تمرکز، معجزه ذهن

پیش‌درآمد

شأن و مقام والای تعلیم و تربیت و منزلت بی‌بدیل معلم و استاد که با هیچ منزلت دیگری قابل قیاس نیست، نزد همه فرهیختگان و عاقلان عالم آشکارتر از آن است که بتوان در مورد آن مطلبی گفت و نوشت مگر بر سبیل تذکار و یادآوری دانسته‌های پیشین و با همین دستاویز، این قلم خود را مجاز به آنچه در پیش روست دانسته است. وجه عمل و قلمرو کار استاد و معلم، ساختن روح و روان و بالا بردن توان فکر و عقل انسان‌هاست که وجه تمایز آدمی از دیگر موجودات و مخلوقات به شمار می‌رود. در دنیای معاصر و وانفسای رسانه‌های جهانی که فکر و جان انسان‌ها را آماج تهاجم و تخریب خود در دو عرصه ابتذال و فساد و القای شبهات دارند، علم و معلم است که روشنگری و مصونیت‌سازی می‌کند و خلیده‌های شک و تردید در زمینه ارزش‌ها و آرمان‌های بلند انسانی و الهی را ماهرانه و با کمترین عوارض جانبی از فکر و جان به‌ویژه نسل جوان که آسیب‌پذیرترند، بیرون می‌آورد.

تا زمانی که علم و آگاهی حاصل نشود، انتظار هیچ‌گونه اصلاح ماندگار و قابل اعتماد نمی‌توان داشت. جاهلان به دلیل جهلشان نمی‌توانند بر ارزش‌ها و فضایل صبر کنند و بدانها ملتزم باشند، به قول رشید رضا در تفسیر المنار به نقل از استادش محمد عبده در

* عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

دلیل و توجیه صحیح و منطقی آن باشد (الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۷۳۴، ذیل آیه شریفه).

کار معلم و استاد، آموزش و یاد دادن اموری است که انسان‌ها را در انتخاب و استمرار مسیر صحیح و درست زندگی یاری کند. انتقال آگاهی‌هایی که بدانان صبر و پایداری بر ارزش‌ها و والایی‌های زندگی می‌دهد و جوهره انسانیت و وجه تمایز و برتری او را حتی بر فرشتگان الهی تثبیت و ترسیخ می‌کند و این بزرگ‌ترین جایگاهی است که می‌توان برای انسان تصویر و تصور کرد و انسان مسلمان از چنین جایگاه رفیع و بی‌بدیلی برخوردار است.

نکته فاحرخی که در این میان مدنظر فرهیختگان و اهل دانش و معرفت در این همایش است و از جهتی فلسفه و روح اصلی این همایش به شمار می‌رود، این مطلب است که پژوهش جان و جوهره آموزش و تعلیم است و بدون پژوهش تعلیم ممکن نیست و اگر هم صورتی از آن به هم رسد، مفید و سودمند نخواهد بود و در پاره‌ای موارد مضر و زیان‌آور نیز هست. پژوهش به معلم در امر آموزش بصیرت می‌دهد و تعلیم بدون بصیرت به بیان مکرر امام صادق (ع) به بیراهه رفتن است و در بیراهه هرچه حرکت تندتر و سریع‌تر باشد، از هدف و مقصد دورتر خواهد شد (العامل علی غیر بصیره کالسایر علی غیر الطريق لایزیده سرعه السیر الا بعدا - کافی، ج ۱، ص ۴۳).

در امر پژوهش که ریشه است و آموزش که نتیجه و میوه است، نکاتی به نظر می‌رسد که در متون دینی و تجارب معلمان بزرگ فرهنگ سستبر، پربار و دیرپای ما تأکید فراوانی بر آن شده است.

۱. خلوص و پیراستگی

پژوهشگر، محقق، معلم و آموزگار در هر رشته‌ای از رشته‌های دانش بشری که باشد، باید صادقانه و با خلوص نیت عمل کند. قداست کار را قربانی انگیزه‌های مادی و دنیایی نکند. علم و دانش را برای خود علم و دانش بخواهد نه برای رسیدن به مادیات و مقامات ظاهری و بداند که اگر کار برای خدا و خدمت به خلق در راستای اطاعت خدا باشد، جانش قوی و روحش متصل به ملکوت عالم و دنیای او هم به شکل آبرومندانه‌ای تأمین خواهد شد و پاداش اخروی هم ذخیره و زاد راه سفر پایانی و محتوم اوست. اگر پژوهش

زمینه اعتراض فرشتگان به آفرینش آدم و تفسیر آیه «وَأَقَالَ رَبُّكَ لِلْمَآئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»: اگر فرشتگان ملاً اعلی در این آیات به صورت نمادین راجع به موضوعی که از آن اطلاع ندارند، در حال محاجه با خداوند و طلب دلیل و برهان از او تصویر شده‌اند، انسان‌ها به طریق اولی در این زمینه در اختلاف و محاجه و طلب دلیل محق و معذورند و پیامبران نیز به طریق اولی باید با بشر همان‌گونه رفتار کنند که خداوند با فرشتگان رفتار کرد. بنابراین آیه مذکور آرام‌بخش رسول... است و می‌خواهد بفرماید «ای پیامبر بر تکذیب ایشان صبر کن، طالبان هدایت را راهنمایی کن و برایشان دلایل و براهین آشکار ارائه کن» (المنا، ج ۱، ص ۲۵۵).

نیز در آیات مربوط به خلافت آدم در زمین - «و علم ادم الاسماء كلها»، به این نکته توجه می‌دهد که اگر فرشتگان برخوردار از علم فعلی، حق انکار و پرسش دارند و نیازمند تعلیم خداوند هستند، انسان که بنا به طبیعت خود دارای استعداد فراگیری است و این استعداد را به اکتساب و با فراگیری دانش و کسب تجربه به فعلیت می‌رساند، باید در انکار محق‌تر و از فرشتگان نیازمندتر به تعلیم باشد.

به نوشته استاد دکتر محقق داماد، عده از این سخن حق خطا را برای بشر نتیجه می‌گیرد و می‌گوید این آیات از جهت دیگر با بیان اینکه بشر از فرشتگان سزاوارتر به انکار آن چیزی است که بدان علم ندارد، آرام‌بخش پیامبر است. این انکار تا وقتی انسان به موضوع علم پیدا نکند، طبیعی و حق اوست. البته طبیعت او اقتضا می‌کند پس از خطا و کشف حقیقت، توبه کند و بازگردد (روشنگری دینی، مصطفی محقق داماد، ج ۲، ص ۱۳۲، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷).

قرآن در داستان موسی و خضر - علیهما السلام - نیز همین ویژگی انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد. آنجا که خضر به موسی می‌گوید «تو در معیت و همراهی من نسبت به حوادث و پیشامدهایی که خواهی دید صبر نخواهی توانست و اصولاً چگونه بر آنچه نمی‌دانی صبر نمایی و ندانسته آنها را بپذیری: انک لن تستطیع معی صبراً و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیرا» (کهف، ۶۸). زمخشری مفسر و ادیب نامدار عرب در تفسیر معروف خود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل می‌نویسد: «از لحن و تأکیدات آیه شریفه برمی‌آید که صبر بر آنچه انسان نمی‌داند و توجیه معقول و درستی برایش ندارد، صحیح نیست و مطابق اعتدال انسانی و تعادل عقلی و روحی او نخواهد بود و باید دنبال

و آموزش با انگیزه مادی باشد، پژوهشگر و استاد کاسب است و بازرگان علم می‌فروشد و دنیا می‌خرد. جوهره کار، کسب است هرچند با پوشش علم، یکی از نشانه‌های چنین حالتی براساس رهنمود امام صادق (ع) بهره و لذت‌نبردن از سخن گفتن با خدا و مناجات و خلوت کردن با اوست که کمترین کیفر و عقوبت الهی نسبت به دانشمندان دنیا طلب است (... ان ادنی ما انا صانع بهم ان انزع حلاوه مناجاتی عن قلوبهم - کافی، ج ۱، ص ۴۶). با صنع و نظم از صانع و ناظم و با زیبایی و جمال از جمال‌آفرین بازمی‌مانند. وجهه ملکی و طبیعی پدیده‌ها و ظواهر قانونمندی عالم آنان را از وجهه ملکوتی و باطن خدایی آن غافل می‌کند و همین نکته، یعنی نظام هستی را جهان طبیعت دانستن نه جهان خلقت، مرز و ملاک علم و دانش الهی و علم و دانش مادی و طبیعی است.

۲. تمرکز همه‌جانبه بر موضوع پژوهش

در امر پژوهش و آموزش کارآمد صبر، تحمل، پایداری، دل دادن، دل سپردن و تمرکز بر موضوع مورد پژوهش لازم است. بدون تمرکز زوایای مطلب آشکار نخواهد شد و به تعبیر زیبای شهیدثانی در کتاب ارزشمند منیه المرید، که متنی کم‌نظیر در زمینه پژوهش و آموزش است و در اوج شکوفایی علمی مؤلف در سال ۹۵۴ یعنی یازده سال پیش از شهادت وی نگاشته شده، آمده است: تا تمام وجود خود را به علم و تحقیق ندهی و تمرکز لازم در این امر پیدا نکنی، دانش حتی قسمتی و جزئی از خویش را هم به تو نخواهد داد. باید تمام وجود خود را به علم بدهی تا بخشی از خود را به تو بدهد

(اعط العلم کلک یعطیک بعضه، منیه المرید، ص ۳۵).

البته پیش از آن بزرگمرد، رد پای این مطلب در کتاب - محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء - راغب اصفهانی به چشم می‌خورد: قال الخلیل رحمه الله العلم لا یعطیک بعضه حتی تعطیه کلک ثم انت فی اعطاءه ایاک بعضه مع اعطاءه ایه کلک علی خطر (ج ۱، ص ۵۰ و ۷۳، نشر شرکت ارقم ابن ابی ارقم، بیروت، ۱۴۲۰) خلیل ادیب معروف - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: دانش بخشی از خود را به تو نخواهد داد مگر آنکه تمام وجودت را به او بدهی و با این همه همواره در خطر از دست دادن همان مقدار به دست آمده نیز هستی.

حاصل سخن اینکه اگر پژوهشگر تمام وجود خود را از نظر وقت و زمان و امکانات زندگی و صحت و سلامتی بدن و فراغت عمر به موضوع پژوهش نسپارد و تمرکز کامل در موضوع مورد تحقیق نیابد، به عمق و محتوای آن پی نخواهد برد و راز نهفته در کار محققان و پژوهشگران بزرگ بشر که قله‌های برافراشته افتخار فرهنگی‌اند، در همین امر است که تحقیق و پژوهش متن کار آنان بود و با آن زندگی می‌کردند و نفس می‌کشیدند نه یک کار جانبی و حاشیه‌ای که در کنار گذر عادی زندگی به آن نیز بپردازند یا همانند ابزاری آن را به کار برند. تمرکز عامل اساسی نفوذ در عمق مباحث علمی و از کلیدهای اساسی خلاقیت و حل مسائل دشوار علمی به شمار می‌رود. به تعبیری دیگر، آنچه هاتف اصفهانی درباره عشق می‌گوید:

هرچه داری اگر به عشق دهی کافرم گر جوی زیان بینی

درباره چگونگی پژوهش و دستیابی به علم و دانش نیز صدق می‌کند. پژوهشگر باید هرچه دارد به علم و پژوهش دهد و در این داد و ستد، قطعاً ضرر و زیان نخواهد دید و افق‌ها و چشم‌اندازهای بدیع و بیکران هستی برایش منکشف و آشکار خواهد شد. از این جهت، موانع گوناگون و عوامل مزاحم آن باید شناسایی و درمان شود. البته تمرکز مهارتی است که تا حدود زیادی با تمرین و ممارست می‌توان آن را به دست آورد. و در خود ایجاد کرد اما شرایط فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی و... را هم نباید از نظر دور داشت. حصول تمرکز، به‌ویژه در مراحل آغازین، مستلزم صبر و تحمل است و نتیجه بردباری در مقابل ناهمواری‌های نفسانی و طبیعی.

۳. حرص و آز در دانستن و کشف مجهولات

شرط دیگر تحقیق و پژوهش موفق و تأثیرگذار، مطالعه فراوان و به تعبیر علی (ع) حریص بودن بر علم است: اعلم الناس المستهتر بالعلم (غرر درر، آمدی، ج ۲، ص ۴۱۴، شماره ۷۹۳۰) داناترین انسان‌ها حریص‌ترین آنها بر کسب دانش است. حرص و آزمندی همان قدر که در مورد مال و مناصب دنیوی مذموم و نارواست، در تحصیل علم و دانش ممدوح و ستودنی است. چنان‌که در نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ و اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۱ مشاهده می‌شود، نباید به محدوده مطلبی که در محاورات علمی رسمی یا از زبان استاد

آورد و به آزمایشگاه خود رفت و به‌قدری سرگرم مطالعه و تحقیق شد که یادش رفت آن شب، شب عروسی اوست.

۴. به‌روز بودن و نیاز - محور بودن پژوهش

از دیگر شرایط و لوازم یک پژوهش خوب و قابل دفاع در هر دو حوزه علوم انسانی و تجربی است. سنت حسنه و رویه مقبول سلف صالح و دانشمندان بزرگ ما مبتنی این خصوصیت است. عالم و فقیه فرهیخته و سرشناس شیعه مرحوم شیخ طوسی در آغاز کتاب *تلخیص الشافی* در مورد این رویه کارآمد چنین می‌گوید: کان شیوخنا رحمهم الله المتقدمون منهم و المتأخرون... علمای بزرگ ما - خدای آنان را در بیکران رحمت خویش غرق سازد - چه آنان که در قدیم بوده‌اند و چه آنان که سپس آمده‌اند، همه درباره پیداکردن دلیل‌های زمان‌پسند و آنچه طبیعت زمان اقتضا می‌کرده است تا نهایت درجه ممکن کوشیده‌اند و پیش تاخته‌اند و در برابر دیگران موضع آگاهانه داشته‌اند چون همواره شبهه‌ها و مسائل تازه‌ای القا می‌شده است. از این رو، آنان نیز آگاهی‌ها و دلیل‌های تازه‌ای برای حقانیت حق عرضه می‌کرده‌اند (شیخ اقا بزرگ تهرانی، ص ۱۹، چاپ دهم، ۱۳۵۵، نشر فجر) و (مجله نقد و نظر، شماره ۱، زمستان ۷۳، سرمقاله).

در مجموعه صحیفه نور موارد متعددی در این راستا از امام خمینی نقل شده است، از جمله: ... حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۰).

این مطلب البته برگرفته از توصیه‌های پیشوایان معصوم (ع) است و از جمله امام صادق (ع) فرموده‌اند: العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس (/اصول کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهل، حدیث ۲۹)، کسی که به زمان خود آگاه باشد، در برخورد‌ها و موضع‌گیری‌ها مورد هجوم اشتباه و خطا نیست و غافلگیر نخواهد شد. افزون بر اینکه عارف به زمان به مفاد روایت منقول از علی (ع) از حوادث و پیشامدهای روزگار متعجب و شگفتزده نخواهد شد: اعرف الناس بالزمان من لم يتعجب من احداثه (غررالحکم، آمدی، ص ۴۸۰، حدیث ۱۱۰۳۴، نشر دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶).

بنابراین، به‌روز بودن و از قافله آگاهی‌های زمان عقب نماندن و نبودن لازمه تعلیم و

و محقق‌دیگر می‌شنوید اکتفا کنید بلکه باید تمام وقت خویش را به مطالعه و پژوهش بگذرانید. درباره برخی اساتید و محققان بزرگ می‌نویسند حتی در شب عروسی خود نیز به‌قدری به استفاده از وقت خویش اهتمام داشته و نگران تزیین آن بوده‌اند که در فاصله مختصری که فرصتی می‌یافته‌اند، سرگرم مطالعه می‌شدند و به‌گونه‌ای غرق مطالعه و متمرکز در آن بودند که از گذر زمان در چنان موقعیتی غافل می‌مانده‌اند. نوشته‌اند مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی آن‌چنان به تحصیل علوم عقلی و دینی علاقه داشت که شب‌ها کمتر به خواب می‌رفت و کتب متنوع و گوناگون در نزد خود می‌گذاشت. اگر از یکی خسته می‌شد، به دیگری می‌پرداخت و برای آنکه کسالت را از خود دور کند، همیشه شب‌ها نزد خود آب داشت و با آن رفع کسالت و خواب می‌کرد. در این شب‌ها و در این موقع بود که به کشف معضلات و مشکلات علمی نائل می‌آمد و از شدت فرح و انبساطی که در آن حالت وی را رخ می‌داد، فریاد می‌زد: «این ابناء الملوک من هذه اللذه»، شاهان و شاهزادگان کجایند تا لذت کشف حقایق عالم را بفهمند و بدانند که لذات مادی و طبیعی آنان در قیاس با این لذایذ عقلی و فکری بسیار کوچک، حقیر و ناچیز است.

شاید خواجه نصیر در دو بیت شعر مشهور خود اشاره به همین دوران شیرین زندگانی خود کرده است که درخصوص اعتزال از لذایذ زندگی و بی‌اعتنایی به وجود و عدم آن و تمرکز افکار در یک نقطه و هدف عالی، یعنی مطالعه و درس، می‌فرماید:

لذات دنیوی همه هیچ است نزد من در خاطر از تغیر آن هیچ ترس نیست
روز تنعم و شب عیش و طرب مرا غیر از شب مطالعه و روز درس نیست
(فوائد الرضویه، محدث قمی، زندگی خواجه نصیرالدین طوسی) و (الذریعه، شیخ اقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۷)

در مورد ملامحمد صالح مازندرانی، داماد بزرگ مجلسی اول و شوهرخواهر علامه مجلسی، که سرآمد شاگردان مجلسی اول بود نیز چنین شیفتگی و اهتمام کم‌نظیر یا بی‌نظیری را به مطالعه و پژوهش در شب عروسی نقل کرده‌اند (علامه مجلسی مرد میدان علم و دین، علی دوانی) و (فوائد الرضویه، محدث قمی، زندگی ملامحمد صالح مازندرانی).

در مورد ادیسون هم نوشته‌اند که در شب عروسی خود یک ساعت فرصتی به دست

تعلیم و پژوهش کارآمد و قابل دفاع است.

حوزه‌های علمی و دینی ما در گذشته با زمان هماهنگ بودن و آشنای با دانش‌های گوناگون و گاه پایه‌گذار و نشردهنده بسیاری از آنها بوده‌اند، در امور مذهبی و حفظ حریم دین حساسیت داشته‌اند و حرکت‌های ضد دینی را بی‌پاسخ نمی‌گذاشته‌اند، مثلاً جرجی زیدان (م ۱۹۱۴م) مورخ و نویسنده نامدار مسیحی، از سر غرض‌ورزی در کتاب خود *تاریخ آداب اللغة العربیه* سخنی را به این مضمون نوشت: «شیعه طایفه‌ای بود کوچک و آثار قابل اعتنائی نداشت و اکنون شیعه‌ای در دنیا وجود ندارد.» (کتاب شیخ آقابزرگ طهرانی، از عبدالرحیم محمدعلی، چاپ نجف، مطبعه النعمان، ص ۲۹).

مردان بزرگی از اندیشمندان معاصر شیعی از سر غیرت دینی و علمی و برای خدا جواب‌هایی به وی دادند و دست به خلق آثاری زدند که هر یک چون آذرخشی در آسمان فرهنگ و ادب درخشیدند. به قول استاد محمدرضا حکیمی پس از بیان مقدماتی در این زمینه:

... این شد که شیخ آقا بزرگ و دو هم‌ردیف و دوست علمی‌اش، سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ق) و شیخ محمد حسین کاشف الغطا (م ۱۳۷۳ق) هم‌پیمان شدند تا هریک در باب معرفی شیعه و فرهنگ غنی تشیع کاری را برعهده گیرند و سخن این نویسنده مغرض را به دهنش بازپس بکوبند. قرار شد علامه سید حسن صدر درباره حرکات علمی شیعه و نشان دادن سهم آنان در تأسیس و تکمیل علوم اسلامی تحقیق کند. ثمره کار او کتاب *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام* شد. این کتاب به سال ۱۳۷۰ق در ۴۴۵ صفحه چاپ شد. شیخ آقا بزرگ نیز در چاپ آن دخالت داشت.

قرار بر این شد علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطا کتاب *تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان* را نقد کند و اشتباهات وی را باز گوید. وی این کار را کرد و نقدی جامع و علمی بر هر چهار جلد کتاب زیدان نوشت و مطالب مشتبه را به اصول اصلی آنها بازگردانید و مؤلف را به اشتباهات و خطاهایش - حتی خطاهای املاتی - متوجه کرد. البته پس از آنکه به دستور این آیه قرآن «و لا تبخسوا الناس اشیاءهم» (چیزهای مردمان را کم‌بهره مسازید و بهای کم منهدید) کوشش مؤلف را در کار تألیف کتاب ستود. نقدنامه کاشف‌الغطاء برای بار دوم در بوئنوس آیرس به چاپ رسید و در محافل علمی آن روز

صدا کرد. کشیش انستاس ماری الکرملی در نقدی که بر کتاب *آداب اللغة جرجی زیدان* نوشت، از این تألیف کاشف‌الغطاء استفاده کرد، بدون اینکه مآخذ خود را معرفی کند و نام علامه کاشف الغطا را بر زبان آورد.

اما شیخ آقا بزرگ - از میان این سه یار علمی - متعهد شد فهرستی برای تألیفات شیعه بنویسد (همان) و چنین بود که کار بزرگ و گسترده‌ای با نام *الذریعه* در فرهنگ شیعه آغاز شد و... تهیه و تدوین *الذریعه* تنها نوشتن یک دائره‌المعارف بزرگ نبود و حاصلی که از این درخت تناور و پر بار به دست آمد فقط کتابشناسی توصیفی شیعه (زیدی، اسماعیلی و اثنی‌عشری) نبود حتی فقط یک دوره از تاریخ حوزه‌ها و دانشگاه‌های شیعه هم نبود. اینها همه بود ولی همه *الذریعه* اینها نبود. در نتیجه *الذریعه* برای همگان معلوم شد که شیعه با همه مظلومیت‌ها و محرومیت‌هایی که در طول تاریخ بر او تحمیل شده، باز در حرکت‌های علمی - فرهنگی پیش‌تاز بوده و در ستیغ سعی و صفا قرار داشته و همواره حریم کتاب و قلم را بیشتر از دیگران پاس داشته است. در سایه *الذریعه* روشن شد که شیعیان نه با تکیه بر قدرت نظامی و حکومتی که با قلم و کتاب زنده مانده و با منطق و برهان بالیده‌اند.

حرکت افتخارآمیز دیگر، زمینه‌های پیدایش کتاب سترگ و کم‌نظیر *عقبات الانوار* سید میر حامد حسین موسوی است. در نیمه نخست سده سیزدهم هجری انگلستان و فرانسه به شبه قاره هند چشم طمع دوختند و مسلمانان و به‌ویژه شیعیان سدی در مقابل آنان بودند. مولوی عبدالعزیز دهلوی دست به نگارش کتاب معروف *تحفه اثناعشریه* زد تا به گمان خود شیعه را از صحنه خارج کند و با این حرکت آگاهانه یا ناآگاهانه در دام استعمار خارجی افتاد. او عقاید شیعه را به طور عموم و فرقه دوازده‌امامی را به طور خاص در اصول و فروع و اخلاق و آداب و تمامی باورها و اعمال بی‌ادبانه و با واژگانی بیرون از آداب و سنن مناظره مورد حمله قرار داد و در تفرقه‌افکنی و ایجاد حس بدبینی بین مسلمانان کارگر افتاد. برای رفع آثار ناشایست آن، شخصیت‌های علمی حوزه‌ها درصدد پاسخ برآمدند و مهم‌ترین آنها کتاب *عقبات الانوار* جناب علامه سید میر حامد حسین موسوی است که در از بین بردن آن حرکت شوم بسیار کارگر افتاد و ارزش فوق‌العاده‌ای به لحاظ علمی یافت. امام خمینی در دل استبداد سیاه سلطنتی پیش از آغاز نهضت با حالت شگفتی و شیفتگی از این اثر بزرگ

نام می‌برد و همگان را به احیای آن می‌خواند:

... کتاب *عقبات‌الانوار* سید بزرگوار حامد حسین هندی که چهار جلد بزرگ در حدیث غدیر تصنیف کرده و چنین کتابی تاکنون نوشته نشده و *عقبات‌الانوار* در امامت از قراری که شنیده شده سی جلد است و آنچه ما دیدیم هفت و هشت جلد است و در ایران شاید تا پانزده جلد آن پیدا شود... و اکنون قریب دو سال است که به ملت شیعه راجع به تجدید طبع این کتاب پیشنهاد شده و به خونسردی تلقی شده است. با این وصف، با خواست خدا جلد غدیر در تحت طبع است، لکن بر علمای شیعه بالخصوص و دیگر طبقات لازم است که این کتاب را، که بزرگ‌ترین حجت مذهب است، نگذارند از بین برود (امام خمینی قدس سره، *کشف‌الاسرار*، ص ۱۴۱).

افزون بر سخن امام خمینی، عظمت کتاب *عقبات‌الانوار* و مؤلف بزرگوار آن را در کتاب ارزشمند استاد محمدرضا حکیمی با نام *میر حامد حسین از دفتر نشر فرهنگ اسلامی* و نیز کتاب *شیخ‌البا حثین آغا بزرگ تهرانی از استاد عبدالرحیم محمد علی* می‌توان دید.

در هر صورت، به‌روز بودن پژوهش در تمام سطوح امری لازم و ضروری است که باید در نهادهای علمی حوزوی و دانشگاهی ما نهادینه شود.

۵. بهره‌وری از امکانات موجود و فرصت شمردن تهدیدهای پژوهش

از لوازم دیگر پژوهش و پژوهشگر موفق غنیمت شمردن دم، خوش‌بینی و دیدن نیمه پر لیوان و استفاده از پیشامدهای زندگی است. موکول کردن کار تحقیق و پژوهش به فراهم بودن تمام شرایط و نداشتن هیچ‌گونه دغدغه مادی در زندگی روزمره و انتظار اینکه اعضای خانواده و کسانی که در محیط و پیرامون ما هستند خود را با ما و کار تحقیقی ما هماهنگ کنند و مشکل و مانعی ایجاد نکنند و انتظار و توقعی نداشته باشند، و اینکه پژوهشگر در غیر این شرایط خود را مجاز بداند که تحقیق و پژوهش نکند یا آن را به صورت حداقل و در نهایت ضعف و سستی به انجام رساند، آفت بزرگ تحقیق به حساب می‌آید چراکه شاید هیچ‌گاه شرایط و زمینه‌ها به طور کامل و دلخواه فراهم نشود و نتوان قدم مؤثری در این راه برداشت. هنر و مسئولیت‌پذیری ایجاب

می‌کند که در موقعیت‌های به‌ظاهر نامناسب و ناهمراه نیز با برنامه‌ریزی و بهره‌وری از ظرفیت‌های خویش کار را به پیش ببریم و منتظر نباشیم که دستی از غیب برون آید و کاری بکند. البته داشتن چنین ویژگی و روحیه‌ای، در همه شئون زندگی از جمله در عرصه پژوهش، عامل موفقیت است.

این سخن به معنای نادیده گرفتن حوزه عمل و کار مسئولان، مدیران و برنامه‌ریزان عرصه تحقیق و پژوهش نیست. آنان باید موانع کار را برطرف و شرایط و زمینه‌ها را فراهم کنند و در حد امکان دغدغه‌های مادی و شغلی و اجتماعی پژوهشگران، اساتید و معلمان را برطرف کنند. اما اگر به هر دلیلی، وضعیت تحقیق مطلوب و ایده‌آل نیست، نباید کار متوقف یا کند و ضعیف شود بلکه باید به‌جای یأس، سرخوردگی و انتظار کشیدن برای ایجاد وضع مطلوب و ایده‌آل و از میان رفتن موانع و عوامل بازدارنده و دلسردکننده جهت پی‌گیری آمال و آرمانهای بزرگ پژوهشی از وقت، فرصت و امکانات موجود استفاده بهینه کرد و خود را با شرایط موجود تطبیق داد و همت خویش را در راستای پیشبرد تحقیق، پژوهش و رشد فکری و علمی و سرمایه‌های مادی و معنوی خود و جامعه به کار گیریم. این روحیه نیاز به دیدگاه، جهان‌بینی و نگاه ویژه‌ای دارد که باید آن را شناخت و بدان مجهز شد و این همان خوش‌بینی و مثبت دیدن همه چیز و نداشتن نگاه منفی به افراد و رخدادها و پیشامدهای زندگی است.

داشتن چنین نگاه و روحیه‌ای همان حقیقت بزرگی است که با عنوان تکنولوژی فکر یا معجزه ذهن از جانب برخی متخصصان روان‌شناسی معاصر طرح و تأکید می‌شود و مواد خام و ساخته و پرداخته نشده آن در متون مذهبی و دینی ما به وفور و به شکل گسترده‌ای وجود دارد. از جمله در داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) روایت جالب و تأمل‌برانگیزی از حضرت رضا (علیه‌السلام) بدین صورت نقل شده است:

شکی یوسف فی السجن فقال یا رب بما ذا استحققت السجن. خدایا به چه گناهی مستحق زندان شدم؟ من که خلاقی مرتکب نشدم. پاسخ شنید: فإوحی الله الیه انت اخترت حین قلت رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه هلا قلت العافیة احب الی مما یدعوننی الیه. تو خودت زندان را انتخاب کردی چراکه در برخورد با زن‌های مصر گفتی زندان رفتن بهتر است از همراهی با خواسته‌های ناروای شما. چرا نگفتی العافیة احب الی... عافیت و سالم ماندن بهتر است از گناه همراهی شما؟ اگر این چنین گفته بودی

خداوند هم به جای زندان عافیت می‌داد (بحار/الانوار، ج ۱۲، ص ۲۴۷).

اثر خوش‌بینی و حسن ظن به خدا و خلق به حدی است که اگر گفته شود معجزه می‌کند، سخن بی‌مبنایی نیست. در روایتی از نبی مکرم (صلی‌الله علیه و آله وسلم) چنین می‌خوانیم: حضرت به عیادت پیرمردی از انصار می‌رود در حالی که از درد و تب شکوه و شکایت می‌کرد. حضرت فرمود: ان الحمی طهور من رب غفور. تب از جانب خدای غفور وسیله پاک‌ی و طهارت انسان از گناه و آلودگی‌هاست - این بهترین توجیه و خوشبینانه‌ترین نگاه به چنین عارضهٔ مریضی است - ولی پیرمرد پاسخ داد: بل الحمی یفور بالشیخ الکبیر حتی تحله فی القبور. ولی به نظر من این تب پیرمردی مثل مرا گرفتار کرده است تا عاقبت بکشد و وارد قبر کند. حضرت از این بدبینی و خودباختگی و تطیر و فال بد زدن او به شدت ناراحت شد و فرمود: لیکن یک ما قلت فمات منه. همین گونه که فکر می‌کنی و می‌گویی خواهد شد و همان‌طور هم شد. (بحار/الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۶)

اینکه یک فکر، حرف و سخن بتواند در عالم واقع و تکوین اثر بگذارد و آن را تغییر دهد، مطلبی است که تحقیق مستقل و جداگانه‌ای می‌طلبد و مباحث روان‌شناسان در همان موضوع تکنیک فکر و اعجاز ذهنیت‌ها و قانون‌مندی هستی و کائنات در این زمینه می‌تواند به فربهی چنین تحقیقی کمک کند ولی از روایات پیش گرفته و بسیاری نظایر آنها، سرنخ چنین مطلبی - اثرگذاری فکر و حرف و سخن در عالم واقع و تکوین - را می‌توان استفاده، تعقیب و تکمیل کرد چنان‌که در روایت دیگری از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) نقل شده: البلاء موکل بالمنطق. (بحار، ج ۶۸، ص ۲۸۷) بلا به دنبال سخن گفتن و فال بد زدن و بدبینی به رویدادها و حوادث زندگی به انسان می‌رسد و اگر خوب ببیند و بداند و بگوید و پیشامدها را خوش‌بینانه توجیه و تعبیر کند، بدی و بلا پیش نخواهد آمد.

به هر تقدیر، در عرصهٔ تحقیق و پژوهش وجود چنین نگاه و روحیه‌ای بسیار لازم و راهگشاست.

زندگی برخی شخصیت‌های موفق و معلمان شناخته‌شدهٔ بشر، مخترعان و مکتشفان، نام و نشاندار نیز پیامدار چنین حقیقتی است. از آن جمله دربارهٔ ادیسون - مخترع بزرگ امریکایی - گفته شده است که در سنین پیری پس از کشف لامپ یکی از

ثروتمندان آمریکا به شمار می‌رفت و درآمد سرشارش را تمام و کمال در آزمایشگاه مجهزش که ساختمان بزرگی بود هزینه می‌کرد. این آزمایشگاه بزرگ‌ترین عشق پیرمرد بود. هر روز اختراعی جدید در آن شکل می‌گرفت تا آمادهٔ بهینه‌سازی و ورود به بازار شود. در همین روزها بود که نیمه‌های شب از ادارهٔ آتش‌نشانی به پسر ادیسون اطلاع دادند، آزمایشگاه پدرش در آتش می‌سوزد و در حقیقت کاری از دست کسی برنمی‌آمد و تمام تلاش مأموران فقط برای جلوگیری از گسترش آتش به سایر ساختمان‌ها بود! آنها تقاضا کردند که موضوع به نحو قابل قبولی به اطلاع پیرمرد رسانده شود...

پسر با خود اندیشید که احتمالاً پیرمرد با شنیدن این خبر سکنه می‌کند، لذا از بیدار کردن او منصرف شد و خودش را به محل حادثه رساند و با کمال تعجب دید که پیرمرد در مقابل ساختمان آزمایشگاه روی یک صندلی نشسته است و سوختن حاصل تمام عمرش را نظاره می‌کند!!!

پسر تصمیم گرفت جلو نرود و پدر را آزار ندهد. او می‌اندیشید که پدر در بدترین شرایط عمرش به سر می‌برد. ناگهان پدر سرش را برگرداند و پسر را دید و با صدای بلند و سرشار از شادی گفت: پسر تو اینجا ای؟ می‌بینی چقدر زیباست!!! رنگ‌آمیزی شعله‌ها را می‌بینی؟! حیرت‌آور است!!! من فکر می‌کنم که آن شعله‌های بنفش به علت سوختن گوگرد در کنار فسفر به وجود آمده است! وای! خدای من، خیلی زیباست! کاش مادرت هم اینجا بود و این منظرهٔ زیبا را می‌دید. کمتر کسی در طول عمرش امکان دیدن چنین منظرهٔ زیبایی را خواهد داشت! نظر تو چیست پسرم!!!

پسر حیران و گیج جواب داد: پدر تمام زندگیت در آتش می‌سوزد و تو از زیبایی رنگ شعله‌ها صحبت می‌کنی؟! چطور می‌توانی؟! من تمام بدنم می‌لرزد و تو خونسرد نشسته‌ای؟

پدر گفت: پسرم از دست من و تو که کاری برنمی‌آید. مأمورین هم که تمام تلاششان را می‌کنند. در این لحظه بهترین کار لذت بردن از منظره‌ای است که دیگر تکرار نخواهد شد!... در مورد آزمایشگاه و بازسازی یا نوسازی آن فردا فکر می‌کنیم! الان موقع این کار نیست! به شعله‌های زیبا نگاه کن که دیگر چنین امکانی را نخواهی داشت!!!

ادیسون سال بعد مجدداً در آزمایشگاه جدیدش مشغول کار بود و همان سال یکی از

بزرگ‌ترین اختراعاتی بشریت - یعنی ضبط صدا - را تقدیم جهانیان کرد. آری او گرامافون را درست یک سال پس از آن واقعه اختراع کرد...

در مورد محقق و دانشمند بزرگ شیعه مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی نیز مشابه چنین روحیه‌ای نقل شده است. در آخر جلد سوم کتاب *اشارات* بوعلی سینا که آن مرد بزرگ، شرح و تبیین کرده و بهترین شرح آن کتاب است، چنین آمده که بیشتر این نوشته‌ها، تحقیقات و کارهای علمی در بدترین شرایط زندگی و همراه با سختی‌های طاقت‌فرسا صورت گرفته است و در نهایت به این شعر تمسک بسته است که:

به گرداگرد خود چندان که بینم بلا انگشتی و من نگینم

چنان شرایط سخت و دشواری، مانع خلق چنین کار بزرگ و اثر بدیعی نشده است. توصیف وضعیت و شرایط در این حد از صعوبت و دشواری اگر منسوب به خود محقق بزرگ طوس هم نباشد و آن را مربوط به علی قزوینی کاتب و چاپ‌کننده *اشارات* بدانیم، چنان‌که نظر برخی بزرگان و مدرسان نامدار کتاب *اشارات* است، روزگار پرتلاطم و زندگی پر حادثه خواجه نصیرالدین و آثار علمی ارزنده و جاودانه وی نشان وجود چنان نگاه و داشتن روحیه‌ای اقیانوس‌وار است که توفان‌های تند و شدید حوادث، آرامش و عظمت و کارایی او را تحت تأثیر قرار نداده است.

در زندگی‌نامه فقیه بزرگوار شیعه مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی نیز آورده‌اند که بین نماز مغرب و عشاء که آقا امام جماعت بود، فرزند رشید و عالم وی سید حسن اصفهانی به دست فرد دیوانه و اجیرشده‌ای به قتل رسید و این پدر هفتاد ساله خم به ابرو نیاورد، حتی از قاتل فرزند خود گذشت و این حادثه در امر تحقیق و تدریس ایشان خللی وارد نکرد.

مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی بخش زیادی از تفسیر ارزشمند *پرتوی از قرآن* را در زندان و انقطاع از آسایش و آرامش‌های متعارف زندگی تدوین و ایجاد کرد. این عبارت در پایان مقدمه تفسیر آمده است: خواننده عزیز اگر در مطالب این مقدمه و قسمتی از کتاب اشتباه یا لغزشی یافتید، تذکر فرمایید و معذورم بدارید زیرا در مدتی نگارش یافته که از همه جا منقطع بوده‌ام و به مدارک دسترسی ندارم و مانند زنده‌ای در میان قبر به سر می‌برم.

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقتی دگر.

تمامی این موارد و صدها و هزاران نمونه دیگر مبین ضرورت خوش‌فکری و خوش‌بینی و استفاده از فرصت‌ها و پرهیز از دلسردی، یأس، سستی و ضعف در مسیر تحقیق، پژوهش، آموزش و پیگیری آرمان‌ها و اهداف بلند و مقدس است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

برای بهبود، رشد و توسعه آموزش و پژوهش در بخش‌های مختلف علوم باید ملتزم به اموری بود. بخشی از آن که در این مقاله اشاره شده، از این قرار است: (۱) داشتن انگیزه الهی و انسانی یعنی همان خلوص و پیراستگی؛ (۲) تمرکز فکر و فارغ شدن از عوامل مزاحم و موانع، که البته این مهارت با تمرین و ممارست دست یافتنی است؛ (۳) حرص ورزیدن در عرصه تحقیق و دانستن و کشف ناشناخته‌ها؛ (۴) به‌روز بودن تحقیق و هدایت آموزش‌ها و پژوهش‌ها در راستای سؤال‌ها و نیازهای اساسی و روز جامعه؛ (۵) خوش‌بینی و امیدوار بودن به نتیجه پژوهش‌ها و مجموعه‌های انسانی و فرهنگی و استفاده درست از پیشامدهای روزگار و تبدیل تهدیدها به فرصت، برگزیدن یک استراتژی مجرب و قابل دفاع در همه عرصه‌های زندگی.

اینها بخشی از بایسته‌های تحقیق و پژوهش و به‌طبع آموزش است که انتظار می‌رود در چنین نشست و جلساتی ابعاد و زوایای پنهان و آسیب‌های آن دیده و بررسی شود.

منابع

۱. رشید رضا، محمد، *تفسیر المنار*، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۲. محقق داماد، سید مصطفی، *روشنگری دینی*، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷.
۳. زمخشری، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، دارالکتاب العربی، بیروت، بی‌تا.
۴. کلینی، *اصول کافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
۵. شهید ثانی، *منیه المرید فی ادب المفید و المستفید*، انتشارات علمیه اسلامیة، قم، ۱۳۸۱.
۶. راغب اصفهانی، *محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء*، نشر شرکت دار ارقم این ابی ارقم، بیروت، ۱۴۲۰.
۷. محمدرضا حکیمی، *شیخ آغا بزرگ تهرانی*، نشر فجر، ۱۳۵۵.

۸. عبدالرحیم محمدعلی، شیخ‌الباحثین آغا بزرگ تهرانی، نشر مطبعه النعمان، نجف.
۹. سید حسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام (شیعه پایه‌گذار علوم اسلامی)، ترجمه مختاری، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴.
۱۰. میر حامد حسین، عیقات الانوار، قم، نشر محقق، چاپ سیدالشهداء، ۱۳۶۲.
۱۱. امام خمینی، کشف‌الاسرار، قم، انتشارات مصطفوی، بی‌تا.
۱۲. آمدی، غرر و درر، قم، نشر دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۱۳. دوانی، علی، علامه مجلسی بزرگ‌مرد علم و دین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۱۴. محدث قمی، الفوائد الرضویه، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۵.
۱۵. شیخ آغابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، انتشارات دار الاضواء، ۱۴۰۳.
۱۶. مجله نقد و نظر، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳، سرمقاله.
۱۷. صحیفه نور، مؤسسه نشر آثار امام.
۱۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴.

پروژه مشترک دانشگاه شهید بهشتی و مؤسسه فناوری MIT: مدلی برای توسعه همکاری‌های داخلی و بین‌المللی با طراحی IR OCW

دکتر مهین‌ناز میردهقان*

چکیده

دانشگاه‌های برتر همواره در تلاش برای گسترش برد و گذر از مرزهای سنتی در درک و دستیابی به نیازهای اساسی جامعه جهانی هستند. این امر با به اشتراک گذاشتن علم در میان همکاران، گروه‌ها، دانشگاه‌ها و سرانجام کشورها و قاره‌ها امکان‌پذیر می‌شود. کنسرسیوم آموزش آزاد رایانه‌ای (OCW) در ایران را می‌توان مدلی برای توسعه همکاری‌های داخلی و بین‌المللی در ایران به شمار آورد که در حال حاضر به صورت بخشی از یک جنبش عظیم آموزشی در کشور بر مبنای پروژه مشترک دانشگاه شهید بهشتی و MIT (به عنوان فاز دوم پروژه) در ترجمه مواد درسی دوره‌های MIT OCW به زبان فارسی و ارائه آزاد و آنلاین دروس در سراسر جهان آغاز شده است. بر این اساس، کنسرسیوم پیشنهادی حاضر با تگرشی بین‌المللی و اصولی زیربنایی به منظور گسترش و تسهیل خدمات ملی و به صورت کشوری برنامه‌ریزی شده است و ضمن دعوت به همکاری از تمامی دانشگاه‌ها و مراکز علمی در سراسر کشور به برنامه‌ریزی لازم برای دستیابی به مدل اجرایی واحد و جلب حمایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌پردازد. بدین منظور، کنسرسیوم حاضر با هدف بالا بردن سطح آموزش عالی در کشور با دانشگاه‌های مختلف در سطح کشور و نیز به صورت بین‌المللی مشارکت می‌کند و OCW ایرانی را به صورت جهانی به اشتراک می‌گذارد. IR OCW با ارزشی ویژه برای اشتراک آزاد و مشارکت دانش، به تدوین برنامه‌های لازم در تحقق معنای

* عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر پروژه مشترک دانشگاه شهید بهشتی و MIT